

## کلمات ث:

مثـل - اـثر - كـثـيـف - لـهـ - باـعـث - ثـرـوـت -  
مـثـلـ - مـثـالـ - اـثـاـث - ثـبـتـ نـاـم - مـبـعـثـ  
ماـرـوزـ عـيـدـ مـبـعـثـ رـاـجـشـ مـىـ گـيـرـيـمـ.  
امـروـزـ مـادـرـمـ مـراـدرـ مـدـرـسـهـ ثـبـتـ نـاـمـ كـرـدـ.  
خـانـمـ مـديـرـ مـثـلـ مـادـرـمـ مـهـرـبـانـ بـودـ.  
دـنـدانـ كـثـيـفـ باـعـثـ بـيـمـارـىـ مـىـ شـوـدـ.  
لـهـ باـيـدـ تـمـيـزـ وـ پـاـكـيـزـهـ باـشـدـ.  
كـمـكـ بـهـ دـيـگـرـانـ ثـوـابـ دـارـدـ.  
ماـبـاـيـدـ مـسـواـكـ بـزـنـيـمـ تـاـ اـثـرـيـ اـزـ شـيـرـيـنـىـ  
روـيـ دـنـدانـ هـاـنـمـانـدـ.  
ايـرانـ آـثـارـ باـسـتـانـىـ دـارـدـ.  
هـنـوزـ هـمـ اـثـرـ تـارـيـخـيـ وـ جـوـدـ دـارـدـ.  
مـثـلـ سـهـ گـوشـهـ دـارـدـ.

## کلمات ح:

حرکت - صبح - صبحانه - حیوان - وحشی  
حوله - سحر - حسین - حسن - محبوب - حرارت  
راحت - مزاحم - ساحل - حریر - تمساح - حشره  
تفریح - حمله - حالا - حلیم - حمل و نقل - حساب  
ژهمت - احوال پرسی - حروف - احساس - حمام  
حالت - صحبت - استراحت - حواس - حرم - محله  
واحد - امتحان - حوصله - محبت - حکایت  
سحر و خانواده اش هر روز صبح کنار ساحل صبحانه می خورند.  
مادر با حبوبات آش رشته درست می کند.  
او بسیار با محبت است.  
امروز امتحان خود را بدون اشتباه نوشتم و احساس خوبی دارم.  
شیر حیوان وحشی است، به انسان ها حمله می کند.  
مادر علوم حواس پنجگانه را آموختیم.  
من حس پنجگانه را می شناسم.  
ما باید با حیوانات مهربان باشیم.  
سر و صد ام زاحم کار پدر است، پدر من حسابدار است.

